

## یادبودی از شاهان پهلوی

امیر فیض- حقوقدان

ایران یاران گرامی استحضار دارند که در نوامبر سال جاری فتوکپی نامه ای که به خط شاهنشاه آریامهر، خطاب به ولیعهد ایران و الاحضرت رضای پهلوی بتاریخ ۲۵ مهرماه سال ۵۷ نوشته شده است، از سوی دبیرخانه اعلیحضرت انتشاریافت که برای ایرانیان یادگاری ارزشمند از خط شاهنشاه ایران است.

**حاشیه** - چند روز بعد از اینکه فتوکپی نامه مزبور منتشر شد یکی از ایرانیان که گویا در خارجه فعالیت عتیقه دارد و در ایران هم بهمین شغل مشغول بود و درموردی هم وکیل ایشان بودم پس از سالها بی خبری بوسیله تلفن بامن تماس گرفت و پس از احوال پرسوی و برخی صحبتها، گفت: «من میخواستم از شما درخواستی بکنم انشاء الله که آنرا قبول میکنید من داوطلب خرید اصل نامه شاه فقید به رضا پهلوی هستم میخواهم شما واسطه این کار بشوید» گفتم واسطه نمیخواهد خودتان با دبیرخانه تماس بگیرید. گفت: «خیر معمولاً خرید اشیاء عتیقه با واسطه و شاهد مورد اطمینان انجام میگردد خاصه که من به هیچوجه مایل نیستم که معلوم شود خریدار این نامه کیست و از آنجا که بسرکار اعتماددارم که نام خریدار برای همیشه محفوظ خواهد ماند باشما مطلب رادرمیان گذاشتم» پس از تشکر عرض کردم که متأسفانه من در شرایطی نیستم که بتوانم نظر سرکار رادرسری بودن این معامله تامین کنم. پایان حاشیه

### یادگاری از رضاشاه کبیر

رضاشاه کبیر ۱۷ روز قبل از درگذشت (چهارم امرداد ۱۳۲۳) مطالبی راباصدای خودشان روی نوار ضبط و برای اعلیحضرت محمد رضاشاه فرزند خود میفرستند که تاریخ از آن بنام نصایح رضاشاه به فرزندش یاد کرده است (بنده به تصوری که ممکن است بسیاری از متن آن مطلع نباشند آنرا بعنوان یک یادگاری تاریخی تلقی و بتقدیم آن مبادرت کردم امیدوارم که نیتم قبول افتد)

آن خسروان که نام نکو کسب کرده اند رقتند و یادگار از ایشان جز آن ماند (سعدی)

\*\*\*\*

(( فرزند عزیز، من نیز از وسیله ای که شما بکار برده و مکتوبات ضمیر خودتان را با ضبط کردن در صفحه بمن رسانده اید استفاده مینمایم و خوشوقتم که میتوانم لحظه ای چند به

صحبت با آن نور چشم، عزیز خود را مشغول ساخته خاطر آفرنده را تسلی بنختم.

ندای قلبی آن نور چشم مهربان که با موجی نامرئی تبدیل شده بود به انتهای وضوح قلب من آرزو شخص میداد چنان در من تاثیر روح بخش نمود که با کریه شوق یکایک کلمات آنزاد بهترین زوایای قلمم جادادم. هر چند بعد مسافت طاحرا مارا از هم دور ساخته است ولی من با چشم دل حردقیقه آن فرزند گرامی را در مقابل نظر مجسم می بینم و هیچ منظره دیگری نمیتواند آن شج را جایگزین شود. اگر این فکر و امید که آرزوی دیدار شما و تمام فایلی باشد، هر لحظه مرا مشغول نسیاخت دیگر به پیچوجهد قدر و قیمتی برای زندگی قابل نبودم و امیدوارم با نایدات الهی تیر آمال من به هدف مقصود رسیده و بتوانم شما و فایلی را روزی در آغوش محبت بشمارم.

فرزند گرامی، من از موقعی که بنفع شما تصمیم به استعفا از مقام سلطنت گرفتم و برای پیشرفت کارهای شما مصلحت دیدم کشور را ترک نمایم، تمام امیدواری من این بود که از دور خدمات صادقانه شمارا به کشور شاهد باشم. اطمینان داشتم که شما قوه جوانی و عشق به میهن در مقابل شدید و سختهیا پایداری کرده و همه گونه ناملایمات را بر خود بهوار خواهید ساخت تا در میدان اجتماع کوی افتخار و نیکنامی را برابند. من در عین اینکه یک آن ودقیقه ای از فکر شما فارغ و غافل نیستم معهدا خود را به این اندیشه که شما اوقات را بخدمت کشور مصروف مینمایند خوشحال و خوشوقت نگاه میدارم.

شما بید نسبت به جریانات همیشه بیدار و آگاه باشید. پیچوقت دستخوش نصیاح فرینده ای که بوی غرض از آن استقام میشود نشده ثابت و پابرجا باشید. حال که این بار مسئولیت عظیم را در دوره تاریکی به دوش کشیده اید نباید از پیچ پیش آمدی بهر اسید چون موقعیت شما طوری است که کوچکترین اشتباه از طرف شما ممکن است به قیمت از بین بردن خدمات بیست ساله و نام فایلی تمام شود. باید به پیچوجه تسلیم اضطراب نشده چنان بر جای خود محکم و استوار باشید که پیچ قوه ای نتواند کمترین حرکتی در اراده شما ایجاد نماید، این بود آنچه که بطور مختصر میتوانستم در این صفحه بکنجامم تا بموقع خود چراغ راه شما باشد.

در حاتم قطع و یقین دارم نسبت به وظیفه مقدس دیگری هم که عبارت از حفظ خانواده باشد با ملکات و سجایای اخلاقی که دشمناسراغ دارم کوتاهی نکرده و زنجیر مودت و یگانگی تمام افراد فایلی را با توجه شخصی محکم و ترزلزل ناپذیر خواهید ساخت تا از این راه نیز من همیشه برای همه وقت از آن فرزند دلبنده نشنود و ساز